

آموزش را باید از نو آموخت

● سید علیرضا میرعلی‌نقی



و به پختگی می‌رسانید. به این ترتیب نسل‌های بعد هیچ‌گاه در جریان رشد مرحله به مرحله و تدریجی هنرمند قرار نمی‌گرفتند و چیزی وجود نداشت که به آن استناد کنند. ما در فرهنگ خودمان، هیچ وقت در جریان تولد و تکوین پدیده‌ها نبوده‌ایم، بلکه همیشه با نتایج و توابع روبه‌رو بوده‌ایم. چکیده‌گزینی و پخته‌خواری کرده‌ایم و جز در مواردی استثنایی از چند و چون منازل و مراحلی که هنرمندهایمان از آنها عبور کرده‌اند بی‌خبریم. فرهنگی که سال به سال بنیة ضعیف‌تری می‌یافت و فضایی که دهه به دهه رنگ می‌باخت، نمی‌توانست وارث شفاهی مطمئنی باقی بماند؛ زندگی‌ها پرشتاب‌تر، حافظه‌ها مغشوش‌تر و حوصله‌ها کمتر و کمتر. وقتی که فضای حیات عوض می‌شود، نوع زندگی هم تغییر می‌کند و کم‌کم تلقی فرد از همه چیز دگرگون می‌شود. هنرمندان و اندیشمندان که شاخک‌های حساس اجتماع هستند، این بحران را زودتر درمی‌یابند و هر کدام به زعم خود چاره‌جویی می‌کنند.

انقلاب مشروطیت بقایای خواب قدیم ایران را برآشفست و هوای سردی که از دنیایی نو وزیده بود خمار را

هنرموزان و هنرجویانشان، فضایی که نهایتاً روسوی طبیعت و روستا داشت مناسبات و ضروریات ویژه خود را بر این تلقی تحمیل می‌کرد؛ یکی از این ضروریات، خصوصی بودن آموزش است و این خصوصی بودن تنها با انتقال شفاهی و سینه به سینه استاد و شاگرد شکل می‌گرفته است. در این فضا، نوشتن بی‌معنی است، فرهنگ مکتوب وجود ندارد و انتشار کتاب یا کتاب‌هایی که خدای نکرده این راز و رمزها را در بیع و شرای عوام قرار دهند، خیالی بود آن چنان دور از ذهن که حتی به فکر ناواردترین اشخاص هم خطور نمی‌کرد.

نباید تصور شود تنها در مورد موسیقی - این هنر ذاتاً شفاهی و شنیداری - است که چنین بوده، بلکه در سایر رشته‌ها که به هر حال حیات نوشتاری دارند - اصلی‌ترینشان شعر و ادب - این فضای شفاهی حکومت داشته است. اگر از سنت نقد هنری ما (به شیوه قدمایی) چیزی باقی نمانده، به علت «نبود» عادت به نوشتن است؛ شعر ما در انجمن‌های ادبی خوانده می‌شد، ایرادهای بیجا و نایبجا بر آن گرفته می‌شد و شاعر جوانی که به تدریج کسوت ادیبی کهنسال و محترم را به برمی‌کرد، طبع شعر و آثارش را به تدریج اصلاح می‌کرد

وقتی بخواهیم تمام متونی را که در دست داریم یا دیدگاه آموزشی نگاه کنیم، در می‌یابیم که در واقع هیچ متن غیرآموزشی وجود ندارد و از هر متنی می‌توان چیزی آموخت. در این نکته بدیهی طنز تلخی نیز نهفته است: آموزش همیشه نمی‌تواند فی نفسه مثبت باشد و بدآموزی هم خود یکی از تبعات مستقیم (و البته شایع) در آموزش است. اما اگر بخواهیم با دیدگاه دقیق‌تری نگاه کنیم باید متونی را برگزینیم که از همان اول با قصد و نیت آموزش، تهیه شده باشند. آن وقت است که چننه‌مان ناگهان کم‌بار می‌شود و دستمان را نسبتاً تهی خواهیم یافت؛ و اگر بخواهیم سره‌گزینی کنیم، آنچه در دستمان باقی می‌ماند، ناچیزتر از حدی است که در ابتدا تصور کرده بودیم.

در فرهنگ موسیقی ایرانی، نقش آموزش، معادل انتقال تلقی می‌شده است انتقال میراث هنری به عنوان ماترکی قومی و احیاناً مقدس، و با جنبه‌هایی گاه رازورانه. بدیهی است که چنین تلقی، تنها می‌توانست در فضاهای بسته و خلوت، حریم‌هایی خصوصی و هنرمندانی درگیر با مفاهیم قدسی، وجود داشته باشد. فضای زندگی نیمه روستایی - شبه شهری این

بر هم زد. موسیقی ایرانی، در انبوه روستاها و معدود شهرها، حیات و انتقال خودش را داشت و تنها نشانه موجود از موسیقی‌ای دیگر، شعبه موزیک در مدرسه دارالفنون بود که با کوشش یک ژنرال فرانسوی تأسیس شده بود و در آن مقدمات ساده‌ای از موسیقی غربی و موسیقی نظامی آموزش داده می‌شد. اولین کتابی که در عصر جدید ایران چاپ شد، محصول همین مدرسه بود، برای اولین بار نوعی از موسیقی، با کمک کتاب آموزش داده می‌شد و الگویی آموزشی که در این کتاب اواخر قرن نوزدهم دیده می‌شد برای چند نسل، موسیقیدان که کتاب‌های آموزشی نوشتند و جز در چند استثناء، کمتر کسی پیدا شد که در آن الگویی تردید کند و طرحی نو دراندازد.

اما آموزش موسیقی در ایران، آموزش به کمک کتاب با آن ژنرال فرانسوی شروع نشد بلکه با یک افسر شجاع ایرانی شروع شد که در مکتب آلمانی‌ها آموزش دیده بود. هشتاد سال پیش، در سال ۱۲۹۹ ش ۱۹۲۰م، علینقی خان وزیری اولین کتاب آموزش موسیقی ایرانی را در برلین چاپ کرد. او و مقدمه‌نویس کتاب، سیدعبدالله خان اتابکی ادیب معروف عصر، هر دو از آرزوی خود برای ثبت نغمه‌های اجدادی سخن گفته و خط نت موسیقی بین‌المللی را یگانه راه چاره دانسته‌اند. از دیگر بزرگان موسیقی ایران نیز مثال‌های بسیاری می‌توان آورد که چنین آرزویی داشته و کمابیش یکسان می‌اندیشیده‌اند. وزیری اولین نویسنده کتاب‌های آموزش موسیقی ایرانی است. برای تار و ویولن که سازهای تخصصی او بود، برای سازهای دیگر با اختلاف زمانی سی‌الی پنجاه سال، دستور (متد) نوشته شد؛ و نفوذ معنوی وزیری بر درصد بالایی از این کتاب‌ها، مشاهده می‌شود. در سال‌های ۱۳۳۴-۱۳۱۴ که روش‌های آموزش هنرستانی رونق داشت، به نشر کتاب آموزش موسیقی اهمیت بیشتری داده شد و موسیقیدانان برای نوشتن کتاب‌های آموزشی، تلاش و همت به خرج دادند. شماری از آنها که مطالبی غنی و تکنیکی پر بار را به شاگرد موسیقی انتقال می‌دهند غیر از جنبه آموزشی، جنبه‌های صرفاً هنری را نیز در خود مسترد دارند، از آن جمله است ردیف‌های استاد ابوالحسن صبا برای ویولون، استادی که روش آموزش او، ترکیبی از روش شفاهی قدیم و روش مدرسه‌ای کلنل وزیری بود.

تعداد صفحه‌های پیش‌بینی شده برای این مقاله نمی‌تواند - حتی به طور مختصر - به نقد محاسن و معایب کتاب‌های آموزش موسیقی ایرانی بپردازد. گویی اینکه چنین حدودی هم بیشتر شأن یک مجله تخصصی موسیقی است، نه برای نشریه‌ای که ویژه نقد و معرفی کتاب است. تنها نکته‌ای که شایسته بیان است اینکه: بسیاری از کتاب‌های آموزش موسیقی ما، اگرچه به قصد آموزش نوشته شده‌اند ولی مطالب و محتوای مورد نظر نویسنده، باز هم از ذهنیتی آموزش دیده در فضای شفاهی برآمده و آن مطالب، حیات مکتوب را نیافته است. این درست است که ظرایف موسیقی ایرانی قابل ثبت با قلم و کاغذ نیست و اصولاً بسیاری از ظرافت‌های اساسی و هنرمندانه آن قابل نوشتن

نیست، ولی این ظرافت‌ها در مراحل بالایی از آموزش و اجرا مطرح می‌شوند که این مراحل نیز عموماً در فضای شفاهی بین استاد و شاگرد، تجربه و تدوین می‌شود و به ثبت و نوشتن نمی‌رسد. موسیقی ما از قرن‌ها پیش، موسیقی‌ای نوشتار گریز بوده و اگر رابطه صدای موسیقی با علامت‌های نت را رابطه مظروف و ظرف در نظر بگیریم، باید گفت که کمتر به انطباق قابلیت‌های این دو با یکدیگر فکر شده است. ما زمانی در نقش ستایشگر پرشور خط نت بر آمده و زمان دیگری بر آن ناسزا گفته و طردش کرده‌ایم و در هر دو حالت، از آن شرایط و آن لزوم اجتناب ناپذیری که ما را به استفاده یا طرد خط نت مجبور کرده، غافل بوده‌ایم. تنها در سال‌های اخیر است که آهسته آهسته نگرشی تازه، دقیق و منعطف، در این باره طرح می‌شود و آثارش بیرون می‌آید. در کتاب‌های موسیقی ما، بار آموزش را علاماتی به دوش می‌کشند که برای انطباق صورت بین‌المللی آنها با محتوای ملی ما، کمتر فکر شده است. هنوز هم در کتاب‌های تئوری موسیقی، ابتدای درس‌ها با آموزش نت شروع می‌شود و همان درس‌های قرن نوزدهمی که در زمان خود تازه بودند تکرار می‌شوند. هنوز هم آموزش مقام‌های موسیقی ایرانی بر اساس آن تئوری و نظام مغشوشی است که در اوایل قرن ششمی حاضر مطرح شده و عجیب اینکه استاد و شاگرد، مطالبی را می‌آموزند و می‌آموزند که اجرای عملی آنها، گاه با آنچه که آموزش می‌دهند، فاصله‌های آشکار و غیرآشکار دارد! هنوز برای سازهایی از قبیل کمانچه، دستور درستی که حاکی از شناخت دقیق و آشنایی کامل با ماهیت این ساز و شخصیت (کاراکتر) اصلی نوازندگی آن باشد، نمانده و هنوز آموزش تئوری موسیقی ایرانی از نظام منسجم و یکپارچه‌ای برخوردار نیست.

کتاب‌ها بیشتر عرضه کننده قطعات مجلسی استادان محترم هستند، نه در بردارنده تکنیک‌هایی که توان فنی و ظرفیت‌های زیبا شناختی هنرجو را پیش ببرد. نویسندگان کتاب‌های آموزشی موسیقی ایرانی، کمتر خواسته‌اند موضوع کارشان را از بیرون نگاه کنند، سری به دو سه کتاب مدرن آموزشی نه از جهان غرب بلکه از همین هند و ترکیه همسایه‌مان بزنند و معیارهای درست آموزش موسیقی‌های شرقی را دریابند. مطالب و قطعات از همان اول با ذهنیت شفاهی و ادراکی خام و ابتدایی نوشته شده‌اند؛ و علی‌رغم وسایل کمک آموزشی از قبیل نوار کاست (و گاهی فیلم ویدئو و دیسک‌های صوتی - تصویری کامپیوتری) که بسیار مفید واقع شده‌اند، در کیفیتی نیستند که نقشی فراتر از یادداشت‌های سر کلاس استاد را داشته باشند، کتاب آموزشی، کتابی است که ارتباطی فراگیر با قاطبه هنرجویان و هنرآموزان موسیقی داشته باشد، نه اینکه مختص محضر پرفیض فلان استاد باشد و تنها در محضر او قابل فهم شود.

شاید تا وقتی که سمینارهای جدی - و پیاپی - درباره آموزش موسیقی با حضور متخصصان این فن نداشته باشیم و تا وقتی نیازهای جامعه جدیدی که در راه است را در نیافته باشیم، نتوانیم از این حدی که هست، قدمی فراتر بگذاریم. فراموش نکنیم که

آموزش، تنها انتقال ساده و رنگبخته مفاهیم و مطالب نیست، بازآفرینی موسیقی از نسلی به نسل دیگر است و هر تغییر مثبت یا منفی در روند آن، می‌تواند تأثیر جدی بر حیات آینده موسیقی داشته باشد.

کتابشناسی کتاب‌های آموزشی موسیقی ایرانی:
(برحسب نام مؤلف، تاریخ انتشار)

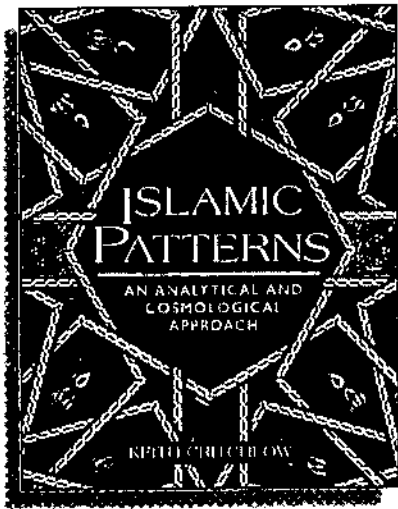
(بر حسب نام مؤلف، تاریخ انتشار)

□ این فهرست شامل کتاب‌هایی است که بنابر نوشته‌های مؤلف و گاه ناشر، از ابتدا برای آموزش نوشته شده‌اند و از باقی کتاب‌هایی که جنبه‌های فرعی آموزشی دارند (نظیر ردیف‌های موسیقی و قطعات استادان) صرفنظر شده است؛ جز کتاب‌هایی که متعلق به استاد ابوالحسن صباست و در آنها ردیف نوازی و آموزش به یکسان رعایت شده است. تک و توک کتاب‌های دیگری هم هست که نویسنده آنها را ندیده و امیدوار است در چاپ‌های بعدی این مقاله اصلاح شود.

- ۱- آزاده‌فر، محمدرضا. اطلاعات عمومی موسیقی (ویژه داوطلبان کنکور و رشته هنر)، ۱۳۷۶.
- ۲- آذر سینا، مهدی. شیوه‌کمانچه نوازی، تهران.
- ۳- اخوان، محمد. آموزش تنبک برای دوره‌های ابتدایی و متوسطه، تهران.
- ۴- اخوان، محمد. دستور مقدماتی تنبک، تهران.
- ۵- اسماعیلی، محمد. آموزش تنبک: بخش تمرین‌ها، تهران.
- ۶- افشارنیا، عبدالنقی. آموزش نی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۷- امین، مهرداد. آموزش ارگ و پیانو ایرانی، تهران.
- ۸- امیر اصلانی، سعید. آموزش مقدماتی نی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۹- به امید حق، عرفان. در مکتب دف‌نوازی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۰- بهارلو، محمد. آموزش موسیقی ایرانی برای ویولون (۶ کتاب در آموزش فرم‌های موسیقی ایرانی و قطعاتی از مؤلف؛ با مقدمه استاد ابوالحسن صبا). تهران، ۱۳۳۳ - ۱۳۳۹.
- ۱۱- بینش، تقی. شناخت موسیقی ایران، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۲- پایور، فرامرز. دستور سنتور. تهران، ۱۳۴۰ - ۱۳۷۷.
- ۱۳- پایور، فرامرز. آموزش تار، تهران، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷.
- ۱۴- پایور، فرامرز. ردیف ابتدایی برای سنتور، تهران، ۱۳۶۵.
- ۱۵- پایور، فرامرز [گردآورنده]. ردیف استاد عبدالله دوری + قطعات و تصنیف‌های قدیمی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۶- تجویدی، علی. موسیقی ایرانی (دو کتاب) تهران، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۷.
- ۱۷- تهرانی، حسین [و جمعی دیگر]. آموزش تنبک + قطعاتی برای تمرین. تهران، ۱۳۵۰-۱۳۶۸.
- ۱۸- تهماسبی، ارشد. جواب آواز، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۹- چایچی اصفهانی، سید جواد. سه تار ساز، تهران، ۱۳۷۱.
- ۲۰- حجازی، اسدالله (به همراه منوچهر جهانگللو).

Islamic pterns :
An Analytical and
cosmological Approach
by Keith Critchlow,
seyyed Hossein nasr

طرح‌های اسلامی



اثر حاضر به بررسی و مطالعه کلاسیک اصول فلکی و کیهانی پرداخته و در این راستا ارتباط و تاثیر این اصول در شکل‌گیری طرح‌های هنری اسلامی و چگونگی ارتباط آنها با فضاهاى مقدس و مورد احترام و اینکه چگونه این طرح‌ها می‌توانند ذهن را از جهان ظاهر به واقعیت هدایت کند مورد بحث قرار می‌گیرد. در طول قرن‌ها طبیعت، مفهوم و ماهیت هنر اسلامی در غرب به اشتباه نوعی تزیین (dcoration) صرف تلقی می‌شده است و کتاب سعی در اصلاح این تفکر دارد.

کیت کریچلوا محقق و پژوهشگر در زمینه هنرهای سنتی و تجسمی اسلامی است و هم‌اکنون در انستیتو معماری Prince of wales مشغول به فعالیت بوده و یک دانشیار شناخته شده بین‌المللی در زمینه هنر اسلامی و نویسنده هندسه فیثاغورسی است و در انگلستان زندگی می‌کند.

کتاب در ۱۹۲ صفحه همراه با ۱۵۰ تصویر و طرح رنگی و سیاه سفید، و به قیمت ۲۹/۹۵ دلار در سپتامبر ۱۹۹۹ منتشر شده است.

Inner traditions intl Ltd ; ISBN : 0892818034

- آموزش مقدماتی سنتور، تهران، ۱۳۶۸.
- ۲۱- حجازی، اسدالله. آموزش تار و سه تار (۲ کتاب)، تهران، ۱۳۶۸.
- ۲۲- جاهد، مسعود. آموزش نی، تهران، ۱۳۷۸.
- ۲۳- حسابی، مجید. مقدمات تنبک نوازی، اصفهان، ۱۳۷۶.
- ۲۴- خالقی، روح‌الله. نظری به موسیقی [۲ کتاب]، تهران، ۱۳۷۶-۱۳۷۷.
- ۲۵- خالقی، روح‌الله. هماهنگی موسیقی، تهران، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۰.
- ۲۶- خالقی، روح‌الله [به همراه موسی معروفی و نصرالله زین پنجه]. دستور نغماتی تار و سه تار (۲ کتاب)، تهران، ۱۳۷۸-۱۳۷۰.
- ۲۷- خالقی، روح‌الله [و جمعی دیگر]. کتاب ویولون برای هنرستان موسیقی ملی (۴ جلد)، تهران، ۱۳۷۸-۱۳۷۹.
- ۲۸- دورینگ، ژان [نت‌نویس]. ردیف‌سازی موسیقی سنتی ایران (ردیف میرزا عبدالله به روایت نورعلی برومند)، تهران، ۱۳۷۰.
- ۲۹- ذوالنون، جلال [به همراه مهرداد ترابی]. آموزش سه تار (۳ کتاب)، تهران، ۱۳۷۰-۱۳۷۸.
- ۳۰- رحیمی، بهمن. دوره آموزش تنبک نوازی (۳ دوره)، تهران، ۱۳۷۸.
- ۳۱- ساکت، کیوان. شیوه آموختن تار و سه تار (۲ جلد)، تهران.
- ۳۲- ساکت، کیوان. شیوه نوین آموختن تار و سه تار، تهران.
- ۳۳- ساکت، کیوان. تمرین برای تار و سه تار، تهران.
- ۳۴- شکارچی، علی اکبر. وزن خوانی، تهران.
- ۳۵- صبا، ابوالحسن. ردیف ویولون (۳ دوره)، تهران، ۱۳۷۸-۱۳۷۴.
- ۳۶- صبا، ابوالحسن. ردیف سنتور (۴ دوره)، تهران، ۱۳۷۸-۱۳۷۴. [چاپ جدید به ویرایش فرامرز پایور]
- ۳۷- صبا، ابوالحسن. ردیف ابتدایی برای تار و سه تار، تهران، ۱۳۳۹.
- ۳۸- صبا، حسین. خودآموز سنتور، تهران، ۱۳۳۵.
- ۳۹- علیزاده، حسین. کتاب سوم آموزش تار و سه تار (بر اساس یادداشت‌های موسی معروفی)، تهران، ۱۳۷۵.
- ۴۰- علیزاده، حسین. آموزش سه تار، تهران، ۱۳۷۷.
- ۴۱- کاربند، شاملو. ردیف کامل شور و ماهور و ردیف کامل همایون، تهران، ۱۳۶۴-۱۳۷۶.
- ۴۲- کامکار، پشنگ. آموزش سنتور، تهران، ۱۳۷۶.
- ۴۳- مشکاتیان، پرویز. دستور سنتور، تهران، ۱۳۷۶.
- ۴۴- مفتاح، مهدی. متد قانون و آهنگ‌هایی برای این ساز، تهران.
- ۴۵- مفتاح، مهدی. اتوهای ایرانی برای ویولون، تهران، ۱۳۷۴.
- ۴۶- میثاقیان، مسعود. شیوه سنتور سازی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۴۷- نجفی تهرانی، فرامرز. ریتم‌های ورزشی، تهران، ۱۳۶۸.
- ۴۸- وزیر، علینقی. دستور تار، برلین، ۱۳۹۹.
- ۴۹- وزیر، علینقی. دستور تار و سه تار، تهران، ۱۳۱۴.
- ۵۰- وزیر، علینقی. دستور ویولون، تهران، ۱۳۱۶.
- ۵۱- وزیر، علینقی. موسیقی نظری (در سه جزء)، تهران، ۱۳۱۳.
- کتابهای دیگری چاپ خارج از کشور بوده که به آنها دسترسی نداشته‌ایم، این کتابها همراه با نوار بوده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



کتاب ماه مهر / مهر و آبان ۱۳۷۸